

## نقبی به سوی نور

لطف حق با تو مداراها کند

چونکه از حد بگذرد رسوا کند

سخنان غلامحسین محسنی اژه‌ای، معاون اول قوه قضائیه درباره رئیس جمهور سابق طی هفته‌های اخیر، سخت عبرت‌انگیز است. وی از احمد نژاد به عنوان فردی دروغگو، لاتی که برای جلب توجه این کارها را انجام می‌دهد، کسی که سلامت عقلش محل تردید است و باید او را به پزشکی قانونی برد... یاد کرده است.

تلخ کامانه از محسنی اژه‌ای باید پرسید مخاطب سخنان او چه کسانی‌اند؟؟ شهروندان انبوهی که دست کم هشت سال پیش به این امور پی برده و در انتخابات سال ۸۸، به موسوی و کروبی رای دادند و به احمدی نژاد آشکارا، «نه» گفتند؟؟! میر حسین موسوی نازنین که در مناظرات تلویزیونی گفت با پدیده‌ای مواجه هستیم که زل می‌زند توی دوربین و دروغ می‌گوید؟؟! برای کثیری، این سخنان تازگی ندارد و تشت رسوایی رئیس جمهور سابق و اعوانش سالهاست از بام بر افتاده...

هموطنان بسیاری، به سبب بانگ اعتراض بر آوردن نسبت به مشی و مرام دل آزار و زننده و مشحون از دروغ و حقه و ریا و تزویر رئیس جمهور سابق و اعوانش، سالها رنج زندان و شکنجه و تبعید را بر خود هموار کردند. طنز روزگار است که این سخنان امروزه از کسانی شنیده می‌شود که روزگاری هوادار احمدی نژاد بوده و تمام قد از او دفاع می‌کردند؛ داوری‌ها و تحلیل‌هایی که بخش قابل توجهی از ملت ایران، هشت سال قبل بدان رسیده بود.

نه آن روزگار در کار و بار و سلوک احمدی نژاد و اعوان و انصارش صداقت و اصالت و حقانیتی یافت می‌شد، نه اکنون که در کسوت منتقدان و مخالفان قوه قضائیه ظاهر شده‌اند؛ که این جماعت در پی به محاق بردن مفاسد مالی و تبدیل اتهامات اقتصادی خود به اتهامات و جرم‌های سیاسی‌اند؛ در این راستا، سودای حسن سوء استفاده از عدم محبوبیت قوه قضائیه را در سر می‌پروراندند.

«روزگار غریبی است نازنین!». جماعت انبوهی، انواع کژی‌ها و پلشتی‌ها را در نحوه کشور داری و مدیریت رئیس جمهور سابق دیدند و بدان اعتراض کردند و داغ و درفش دیدند و زندان و شکنجه و دربدر شدند و هزینه‌های گزاف پرداختند، حال پس از هشت سال، همان سخنان خود را از زبان کسانی می‌شنوند که رئیس جمهور عوام‌فریب سابق، روزگاری مستظهر به پشتیبانی آنها بود. «جای آن است که خون موج زند در دل لعل.» بارها در خلوت به آن دل‌های بریان و چشم‌های گریان و سینه‌های نالان و احوال پاشان و پریشان و بغض‌های فروخته اندیشیده‌ام، در وضعیت بغرنج و غریب زهرا رهنورد، میر حسین موسوی و مهدی کروبی عزیز که صد قافله دل همراه آنان است و بیش از دو هزار و پانصد روز است که محصورند، نظر کرده و غمی غمناک و دردناک را در عمق جان تجربه کرده‌ام. نمی‌دانم، در میانه این تلخی‌ها و تاریکی‌ها، آیا می‌توان همچنان امیدوار بود و به «پاکی آواز آنها» ایمان آورد و نقبی به سوی نور زد؟؟؟